الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران[1]

لاله جمشیدی[2]
حمیدرضا آراسته[3]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۷

چکیده

با اذعان به رشد کمی خصوصی سازی آموزش عالی در کشور طی سال های اخیر، این تحول ساختاری در نظام آموزش عالی در صورتی از موفقیت برخوردار خواهد بود که همگام با رشد کمی به رشد و توسعه کیفی این پدیده نیز توجه لازم صورت گیرد. از اینرو، این پژوهش با هدف شناسایی الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران انجام شد. روش این پژوهش، آمیخته اکتشافی بود. در این پژوهش، ٤٨ الزام کلان در ۷ بعد اصلی شناسایی شد. نمونه این پژوهش مشتمل بر ۱۰۳ نفر از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و دست اندرکاران مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی بود. از دیدگاه این افراد، تمامی الزامات شناسایی شده از اهمیت متوسط به بالا در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی برخوردار بودند و لیکن آن الزاماتی که از اهمیت بالایی برخوردار بودند در شرایط موجود خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی:

خصوصی سازی آموزش عالی، سطح کلان، الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی

---

[1]. این مقاله مستخرج از بخشی از رساله دکتری می باشد

[2]. استادیار دانشگاه سمنان laleh.jamshidi@yahoo.com

[3]. دانشیار دانشگاه خوارزمی heplanning@yahoo.com

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مقدمه

با توجه به روند خصوصی‌سازی در جهان و پدیده جهانی شدن و تأکید سازمان‌ها و نهادهای بین المللی همچون بانک جهانی [1] و دیگر مراکز بین االمللی فعال در حوزه آموزش عالی همچون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی [2]، یونسکو [3]، برنامه پژوهش در آموزش عالی خصوصی [4]، مرکز دانشگاه بوستون برای آموزش عالی بین المللی [5] و مؤسسه مالی بین المللی [6] بر رشد و توسعه آموزش عالی در عصر جهانی شدن و رشد اقتصاد مبتنی بر دانش و تأکید بر خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشورهای مختلف، ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، ناگزیر از همسویی با تغییرات و تحولات جهانی در حوزه آموزش عالی است. آموزش و پرورش در کشور بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی رایگان است و درباره آموزش عالی نیز عنوان شده است که باید در حد توان و امکانات، توسط دولت گسترش داده و حمایت شود. اما به لحاظ اینکه تقاضای آموزش عالی نسبت به امکانات و مقدورات دولت تناسب ندارد و تقاضا بیشتر از امکانات و بودجه است، طبیعی است که در برنامه پنجم توسعه اجازه داده می‌شود تا یک بخش مازاد بر امکانات و ظرفیت‌های نظام با مشارکت بخش خصوصی بر اساس واگذاری انجام شود. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی در ایران دچار بحران‌ها و مشکلات عدیده‌ای بوده است و این فرآیند جهانی به گونه‌ای ناقص، غیرعلمی و غیرهدفمند به اجرا درآمده است و برنامه‌ریزی و ساختاری منسجم برای این پدیده و همگامی با کشورهای موفق در این زمینه در کشور، منظور نشده است و با توجه به وجود غیرقابل انکار و قابل توجه آموزش عالی خصوصی در کشور و با اذعان به اینکه زمانی‌که دولت از نقش خود در ارائه خدمات آموزش عالی رایگان می‌کاهد و افراد متقاضی ورود به آموزش عالی ناچار به تأمین هزینه‌های آموزشی خود هستند، این بخش باید به ارائه خدمات باکیفیت قابل قبول و در خور نظام آموزش عالی و افراد مشغول به تحصیل در آموزش عالی خصوصی بپردازد. با توجه به آنچه از نظر گذشت مهمترین مسأله مبتلا به خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، ناهماهنگی بین رشد کمی و کیفی این تحول در نظام آموزش عالی کشور است. طی دهه‌های اخیر، این بخش متناسب با رشد کمی آموزش عالی خصوصی با موانع و تنگناهایی مواجه بوده است که برای تحقق عملکرد باکیفیت قابل قبول، حداقل معادل با دانشگاه‌های دولتی تراز اول کشور، نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق از جانب دولت و سیاستگذاران نظام آموزش عالی کشور می‌باشد.

---

1 . World Bank
2. Organization for Economic Cooperation and Development(OECD)
3 . United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization(UNESCO)
4 . Program for Research on Private Higher Education(PROPHE)
5 . Boston College´s Center for International Higher Education(CIHE)
6 . International Finance Corporation(IFC)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

ایران نیز در راستای همگامی با پدیده جهانی شدن و تبدیل به جامعه دانش بنیان شدن، توسعه آموزش عالی را در اولویت تمامی برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان خود قرار داده است. با توجه به تقاضای روزافزون برای این نهاد اصلی توسعه و مولد سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی مورد نیاز برای تحقق توسعه همه جانبه کشور و ناتوانی دولت در تأمین اعتبارات لازم به منظور توسعه این بخش، طی دهه‌ای اخیر اقدام به خصوصی-سازی آموزش عالی کرده است که مبتنی بر دیدگاه‌های اسلانتچوا دارست[1] (۲۰۱۰)، لِوی و زامتا[2](۲۰۱۱)، تیلاک(۲۰۰۸)، بلفیلد و لِوین[3](۲۰۰۲) این خصوصی‌سازی به دو صورت ۱) رشد خصوصی‌سازی در آموزش عالی بخش دولتی و ۲) رشد بخش خصوصی در آموزش عالی صورت پذیرفته است. ترکیب بخش خصوصی و دولتی در نظام آموزش عالی کشور بر اساس برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص رشد کمی آموزش عالی و با توجه به اینکه بخش خصوصی آموزش عالی سهم بیشتری از ثبت‌نام‌ها را به خود اختصاص داده است، مبتنی بر الگوی گیجر از حالت "بخش خصوصی گسترده[4]" و مبتنی بر الگوی لِوی از حالت "نظام خصوصی اکثریت[5]" پیروی می‌کند. در این پژوهش، بر اساس مرور نظریه‌های مختلف تأثیرگذار بر رشد اهمیت آموزش عالی در بین افراد و جوامع و در نتیجه لزوم توسعه این بخش و با توجه به محدودیت-های مالی و اعتباراتی دولت در تأمین هزینه‌های تمام و کمال این توسعه گریزناپذیر در عصر جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر دانش و رشد تقاضای اجتماعی روزافزون برای ورود به آموزش عالی و در نتیجه ظهور و رشد خصوصی‌سازی آموزش عالی طی دهه‌های اخیر، بر آنیم که به شناسایی الزامات و پیش‌بایست‌های کلان مورد نیاز برای رشد کیفی هدفمند و برنامه‌ریزی شده و بهبود عملکرد آموزش عالی خصوصی و ارائه خدمات باکیفیت بالا و در خور آموزش عالی کشور و افرادی که از طریق مشارکت در تأمین هزینه‌های آموزش عالی خود در این بخش مشغول به تحصیل هستند، پرداخته شود. در این پژوهش، منظور از الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، آن دسته از پیش بایست ها و پیش نیازهایی است که در سطح دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان برنامه‌ریزان و سیاستگذاران و متولیان امر خصوصی‌سازی آموزش عالی می‌بایست مد نظر قرار گیرد تا از این طریق به توسعه کیفی فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی در کنار رشد و توسعه کمی این فرآیند پرداخته شود. بنابراین سؤالاتی که در این مقاله درصدد پاسخگویی به آن بوده‌ایم، عبارتند از:

[1] . Slantcheva-Durst
[2] . Levy & Zumeta
[3] . Belfield & Levin
[4] . Mass Private Sector
[5] . Majority Private

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۱) الزامات کلان(در سطح دولت و نظام آموزش عالی)، توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران کدامند؟

۲) راهکارهای اجرایی توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خصوصی‌سازی اصول بازار را در سازماندهی و مدیریت فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی به کار می‌گیرد. معیارهای خصوصی‌سازی برای آگاه‌سازی مؤسسات از هزینه‌ها و مدیریت کارآمدتر خود، استفاده می‌شود. مؤسسات به جای وابسته بودن به اعتبارات دولتی به دنبال منابع جایگزین دیگر برای تأمین اعتبار هستند. مالکیت و مدیریت مؤسسات حتی زمانی که معیارهای خصوصی‌سازی معرفی می‌شوند، ممکن است در اختیار مقامات دولتی باقی بماند. الگوهای خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. این ممکن است به معنای متکی بودن به اعتبارات دولتی محدود و اعتبارات غیردولتی قابل توجه در برخی از کشورها و یا حمایت مالی قابل توجه دولت و اعتبارات غیردولتی محدود در دیگر کشورها باشد(وارقسه[1]، ۲۰۰٤).

خصوصی‌سازی آموزش عالی را می‌توان به عنوان انتقال مالکیت، مدیریت یا تأمین اعتبارات مؤسسات آموزش عالی دولتی به بخش خصوصی و افزایش نقش و مشارکت مردم در تأمین هزینه‌های آموزش عالی، با اتخاذ ویژگی‌ها، هنجارهای عملیاتی و شیوه‌های مدیریتی بخش خصوصی و اصول بازار و با بکارگیری منابع بیشتر مالی و مادی و استفاده اثربخش‌تر از منابع به منظور پاسخگویی و ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی بهتر، انعطاف‌پذیرتر و باکیفیت بالاتر به تقاضای مازاد و متنوع برای آموزش عالی که خارج از توان بخش دولتی می باشد، تعریف کرد.

برخی از افراد بر این باورند که دولت توان لازم برای گسترش بیشتر نظام آموزش عالی و افزایش فرصت‌های آموزشی برای همه افراد را دارد، در حالی‌که گروهی دیگر از افراد به شدت بر این باورند که وضعیت منابع و اعتبارات، به دولت‌ها اجازه گسترش بیشتر آموزش عالی دولتی را نخواهد داد. آنها حتی بر این باورند که یارانه‌ها و اعتبارات دولتی برای آموزش عالی اگر به طور کامل حذف نشود، به شدت کاهش خواهد یافت. بر اساس نظر بانک جهانی و در چارچوب رویکردهای نئولیبرال کنونی، هنوز یک مکتب فکری قوی دیگر وجود دارد که اعتقاد دارند حتی اگر دولت‌ها منابع لازم را داشته باشند، این یک طرح کارآمد برای آنها نیست که آموزش عالی دولتی را گسترش دهند، در عوض، خصوصی‌سازی آموزش یک شیوه اثربخش برای افزایش دسترسی به

[1]. Varghese

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

آموزش، برابری و کیفیت در آموزش است به علاوه اینکه مشکلات کمبود منابع دولت را پوشش می‌دهد(تیلاک[1]، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش تام[2] با عنوان «بررسی دسترسی و برابری در آموزش عالی خصوصی مالزی» که در سال ۲۰۱۱ انجام شد، نشان داد که مؤسسات آموزش عالی خصوصی به منظور مکمل بخش دولتی به دلیل محدودیت‌های مالی پیش روی این بخش، مورد بهره‌برداری قرار می گیرند. یافته‌های این تحقیق همچنین حاکی از این است که دولت مالزی حمایت مالی قابل توجهی برای توسعه مؤسسات آموزش عالی خصوصی از طریق ارائه مشوق‌ها، وام‌های دولتی و بورس‌های تحصیلی کرده است. اقدامات تضمین کیفیت، توسعه بخش خصوصی را بیشتر افزایش داده است، نظر به اینکه وام‌های دانشجویی و بورس‌های تحصیلی تنها به دانشجویان برنامه‌های معتبر ارائه می‌شود، بنابراین مؤسسات آموزش عالی خصوصی دسترسی و برابری را با کمک حمایت‌های دولت افزایش داده است.

ساسپیتسین و ساسپیتسینا[3](۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان "آموزش عالی خصوصی در روسیه: سرمایه‌گذاری آزاد تحت کنترل دولت"، بیان داشتند که در سال ۱۹۹۲، بر اساس قانون آموزش، نظام تضمین کیفیت برای آموزش عالی بخش خصوصی به کار گرفته شد. این قانون باعث تشویق توسعه آموزش عالی غیردولتی بر اساس امتیازات اجتماعی تقریباً برابر با دانشگاه‌های دولتی شد. نتایج پژوهش اوسوکویا[4](۲۰۰۷) با عنوان" خصوصی-سازی آموزش دانشگاهی در آفریقا: درس‌هایی از نظریه‌ها و اقدامات ایالات متحده امریکا و ژاپن"، حاکی از آن است که مؤسسات خصوصی باید قبل از اخذ مجوز و شروع به عملیات، توسط دولت فدرال اعتبارسنجی شوند. دولت‌های آفریقایی باید بر مؤسسات خصوصی جهت اطمینان از برخورداری از استانداردهای لازم، همچون میزان شهریه‌ها و کیفیت پژوهش و استانداردهای آموزش کنترل و نظارت داشته باشند. همچنین دولت باید به دانشجویان بخش خصوصی همچون بخش دولتی یارانه و کمک‌های مالی و بورسیه پرداخت کند. نتایج مطالعه‌ای که توسط یونسکو در سال ۲۰۰۹ به انتشار رسیده است حاکی از آن است که در پاکستان، کمیسیون آموزش عالی به منظور توسعه آموزش عالی خصوصی از مشوق‌هایی استفاده کرده است که عبارتند از:

۱) واگذاری زمین؛

۲) اعطای اعتبارات به منظور تأسیس و توسعه مؤسسات؛

[1]. Tilak
[2]. Tham
[3]. Suspitsin & Suspitsyna
[4]. Osokoya

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۳) اعطای اعتبارات به منظور دسترسی به پهنای باند وسیع اینترنت و دسترسی به کتابخانه‌های دیجیتال همچون بخش دولتی؛

٤) معافیت مالیاتی از سود در مراحل اولیه تأسیس؛

٥) اعطای اعتبارات جهت حمایت از استخدام اعضای هیأت علمی خارجی و دستیاران پژوهشی(فیلدن و وارقسه[1]، ۲۰۰۸).

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، روش تحقیق در برخی مراحل کیفی[2] و در برخی دیگر کمی[3] بوده است. بنابراین در گروه روش تحقیق آمیخته اکتشافی[4] قرار می‌گیرد. از آنجا که روش‌های تحقیق کمی و کیفی به تنهایی نمی‌توانند پیچیدگی‌های عناصر و اجزای تشکیل دهنده مسائل علوم انسانی و اجتماعی را بدون سوگیری مورد مطالعه قرار دهند، ترکیب این روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته و از آن تحت عنوان روش تحقیق آمیخته یاد شده است. در این نوع پژوهش، محقق درصدد زمینه‌یابی موقعیتی نامعین است.

در این پژوهش، در بخش کیفی پژوهش، پس از بررسی اولیه ادبیات پژوهش و شناسایی برخی از الزامات توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، دسته‌بندی اولیه از ابعاد این الزامات صورت گرفت و به منظور شناسایی و تکمیل این الزامات مبتنی بر شرایط خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، در قالب انجام یک مورد گروه کانونی[5]، یا مصاحبه متمرکز بر گروه، با مشارکت ۹ نفر از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و مصاحبه‌های نیمه هدایت شده، اقدام به جمع‌آوری نظرات متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و همچنین دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور شد. پس از انجام مصاحبه‌ها، اقدام به کدگذاری پیام‌های انتقال یافته شد و داده‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت و با تلفیق پیام‌های مصاحبه‌شوندگان مختلف، برخی از گویه‌های مربوط به ابعاد الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی شناسایی شد. برآیند این بخش با مطالعه مبانی نظری و سوابق پژوهش، منجر به شناسایی و تکمیل الزامات ۷ گانه توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در سطح کلان و تدوین ابزار پژوهش گردید. در بخش کمی به منظور شناسایی اهمیت و وضعیت هر یک از الزامات شناسایی شده در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، به تدوین و

[1]. Fielden & Varghese
[2]. Qualitative approach
[3]. Quantitative approach
[4]. Exploratory mixed method
[5]. Focus group

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

توزیع پرسشنامه پژوهش در مقیاس وسیع‌تر در بین نمونه هدفمند متشکل از متخصصان آموزش عالی و دست-اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور پرداخته شد.

نمونه این پژوهش در بخش کیفی شامل انجام مصاحبه نیمه هدایت شده و انجام یک مورد گروه کانونی با متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و همچنین مصاحبه نیمه هدایت شده با دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور(رؤسا، معاونان، مدیران، اعضای مؤسس، اعضای هیأت امنا و کارشناسان تعدادی از مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی کشور) بود. در بخش کمی پژوهش، پرسشنامه به صورت الکترونیکی، پستی و از طریق نمابر برای ۱۸ نفر از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و ۱۵۱ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی در سراسر کشور(از لیست ۳۳۰ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی به ثبت رسیده در اتحادیه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی ایران که با برقراری تماس با این مؤسسات حدود ۲۳۰ مؤسسه به صورت فعال، مشغول به کار و پذیرش دانشجو بودند)، ارسال شد که از این تعداد پرسشنامه ارسال شده با پیگیری‌های مکرر، ٦ پرسشنامه از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و ۹۷ پرسشنامه از مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی دریافت شد که در کل نمونه این پژوهش در بخش کمی شامل ۱۰۳ نفر پاسخ دهنده است (جدول ۱).

جدول ۱: تعداد اعضای نمونه در بخش کیفی و کمی پژوهش

بخش های پژوهش	نمونه	تعداد نمونه
بخش کیفی	مصاحبه با متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی	۸نفر
	مصاحبه با دست اندرکاران و مسئولان مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	١٦ نفر
	انجام گروه کانونی با متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی	۹ نفر
بخش کمی	متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی	٦ نفر از ۱۸ نفری که پرسشنامه دریافت کرده بودند.
	دست اندرکاران و مسئولان مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	۹۷ مورد از ۱۵۱ موردی که پرسشنامه برای آنها ارسال شده بود

در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی به منظور انتخاب صاحبنظران و متخصصان آموزش عالی و دست اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور(رؤسا، معاونان، مدیران، اعضای مؤسس، اعضای هیأت امنا و کارشناسان کلیه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی کشور) و در بخش کمی، در زمینه تکمیل پرسشنامه، هم از شیوه هدفمند و در دسترس در خصوص متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و هم از شیوه تصادفی ساده در خصوص مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با بهره گیری از لیست این مؤسسات استفاده شد.

ابزار این پژوهش مشتمل بر ٤٨ الزام کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران در ۷ بعد اصلی ۱) سیاست‌گذاری و راهبردی، ۲) قانونی، ۳) مالی و اقتصادی، ٤) آموزشی و پژوهشی، ۵) مدیریتی و سازمانی، ٦) اجتماعی و فرهنگی، ۷) زیرساختی بوده است. این پرسشنامه در دو بخش اصلی هم به بررسی میزان اهمیت این الزامات کلان در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور(وضعیت مطلوب) و هم به بررسی میزان توجه

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

به هر یک از این الزامات در فرآیند توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور(وضعیت موجود) پرداخته است. تعداد گویه های مربوط به هر بعد در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: تعداد گویه‌های ابعاد مختلف پرسشنامه

الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران						
سیاست‌گذاری و راهبردی	قانونی	مالی و اقتصادی	آموزشی و پژوهشی	مدیریتی و سازمانی	اجتماعی و فرهنگی	زیرساختی
۱۲	۸	۸	٤	۱۱	۲	۳

روایی محتوایی پرسشنامه توسط تنی چند از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی مورد بررسی و با جرح و تعدیل، مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین ضرایب پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه، در ابتدای امر و در مرحله پایلوت تعداد ۲۵ پرسشنامه در بین جامعه آماری که نمونه پژوهش از آن انتخاب شده است، توزیع و جمع آوری گردید و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های این پرسشنامه‌ها، ضریب پایایی کل(آلفای کرونباخ) بخش اول پرسشنامه که به بررسی میزان اهمیت هر یک از الزامات مطرح شده در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران(وضعیت مطلوب) می‌پردازد برابر با ۰/۹۰۵ و همچنین بخش دوم پرسشنامه که به بررسی میزان توجه به هر یک از الزامات مطرح شده در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران(وضعیت موجود) می‌پردازد برابر با ۰/۹٤٤ به دست آمده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون خی دو و فریدمن استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ به سؤال پژوهشی مبنی بر اینکه **" الزامات کلان (در سطح دولت و نظام آموزش عالی) تحقق فرآیند توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران کدامند؟"**، پس از مطالعه عمیق مبانی نظری و پیشینه پژوهش و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، الزامات شناسایی شده در سطح کلان در هفت بعد اصلی ۱) سیاست‌گذاری و راهبردی، ۲) قانونی، ۳) مالی و اقتصادی، ٤) آموزشی و پژوهشی، ۵) مدیریتی و سازمانی، ٦) اجتماعی و فرهنگی و ۷) زیرساختی دسته‌بندی شدند. میزان اهمیت این الزامات در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران (وضعیت مطلوب) و میزان توجه به هر یک از این الزامات در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران (وضعیت موجود) از اعضای نمونه در قالب ابزار پژوهش مورد پرسش قرار گرفت. نتایج مربوط به هر گویه در هفت بعد اصلی از طریق آزمون خی دو و در نهایت آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی این الزامات در هر بعد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به دلیل زیاد بودن تعداد گویه‌ها، جداول مربوط به آزمون خی دو در این مقاله ارائه نشده است و نتایج نهایی این آزمون آورده شده است. در این بخش به تفسیر گویه‌های هر بعد از الزامات کلان خصوصی‌سازی آموزش عالی پرداخته می‌شود. با توجه به زیاد بودن

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

تعداد گویه‌ها، در هر بعد به تفسیر آن دسته از گویه‌هایی پرداخته می‌شود که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان دارای اهمیت زیاد در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران بودند. همچنین آن دسته از گویه‌هایی که در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور مورد توجه کمتری قرار گرفته اند. به منظور بررسی وضعیت این الزامات نسبت به یکدیگر و به لحاظ اولویت در میزان اهمیت و میزان توجه به این الزامات در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور و رتبه بندی این الزامات از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن مربوط به وضعیت مطلوب و وضعیت موجود، ۷ بعد اصلی الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در جداول ۳ الی ۹ ارائه شده است که در این جداول برای هر دو وضعیت، علاوه بر رتبه میانگین، رتبه هر یک از الزامات نیز در پرانتز ذکر شده است.

۱) الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی

بر اساس نتایج آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۱۲مورد الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی گردیده‌اند. با توجه به زیاد بودن تعداد گویه ها و جداول مربوط به هر گویه از ارائه جداول مربوط به این آزمون که فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار را به نمایش می‌گذارد اجتناب شده است(جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه	خی دو	رتبه	خی دو	
ثبات و هماهنگی در اجرای سیاست های توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی	۷/۰۷(۱)	۲۳/۵۲۱* (sig=0.015)	۵/۹۲(۹)	۵۸/۶۶۵* (sig=0.000)	۱۱
اتخاذ سیاست های تشویقی در قالب تدوین شاخص های کیفی جهت تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی	۶/۹۵(۲)		۵/۹۲(۱۰)		
حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه های اجرایی تصمیم گیرنده و مقامات دولتی از خصوصی سازی آموزش عالی	۶/۷۵(۳)		۶/۱۶(۸)		
انسجام و هماهنگی در بخش های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی	۶/۷۵(٤)		۵/۸۸(۱۱)		
تأکید بر رشد آموزش عالی خصوصی در برنامه ها و سیاست گذاری های کلان توسعه کشور	۶/۶۸(۵)		۷/۸۸(۱)		
باور مدیران کلان دولتی به نقش مشارکتی آموزش عالی خصوصی در تحقق اهداف ملی	۶/۶۸(۶)		۶/٤۸(۵)		
توسعه آموزش عالی خصوصی مبتنی بر آمایش سرزمین و مزیت ها و نیازهای منطقه ای	۶/۵(۷)		۶/۲۵(۶)		
باور و اعتقاد همه جانبه دولت در راستای توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی	۶/۲۹(۸)		۷/۲۹(۳)		
توجه به آموزش عالی خصوصی به عنوان مکمل آموزش عالی دولتی از سوی سیاستگذاران کلان کشور	۶/۲۷(۹)		۷/۶۵(۲)		
پرهیز از متأثر شدن خصوصی‌سازی آموزش عالی از ملاحظات سیاسی	۶/۱۷(۱۰)		۶/۵(٤)		
شفاف سازی نقش و سهم و انتظارات از آموزش عالی خصوصی	۵/۹۱(۱۱)		۵/۸۷(۱۲)		
بازتعریف نقش ها و حوزه های دخالت دستگاه های دولتی در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی	۵/۸۸(۱۲)		۶/۱۹(۷)		
$p<0.05$					

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب(که برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره ۲۳/۵۲۱= X^2 و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره ۵۸/٦٦۵= X^2 در سطح ۰/۰۵ برای رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

۲) الزامات کلان قانونی

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۸ مورد الزامات کلان قانونی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان قانونی به جز گویه اول(به رسمیت شناختن آموزش عالی خصوصی به لحاظ قانونی) در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده اند(جدول ٤).

جدول ٤: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان قانونی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان قانونی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	
به رسمیت شناختن آموزش عالی خصوصی به لحاظ قانونی	۵/۱۷(۱)	٦۹/۸۵٦* (sig=0.000)	٦/۱۳(۱)	۱۱۹/۸۵٦* (sig=0.000)	۷
تدوین و تصویب قوانین و مقررات شفاف و با ضمانت اجرایی برای توسعه آموزش عالی	۵(۲)		۵/۲۵(۲)		
تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص ملکیت در آموزش عالی خصوصی	٤/۸۵(۳)		۳/٦(۸)		
تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص سرمایه گذاری در آموزش عالی خصوصی	٤/۷۵(٤)		٤/۰٤(٦)		
تدوین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی با مشارکت ذینفعان این بخش	٤/٦۳(۵)		۳/۸۵(۷)		
تلاش در راستای رفع تناقض و تعارض بین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی	٤/۱۵(٦)		٤/۱۲(۵)		
تناقض واژه غیرانتفاعی با خصوصی بودن و ایجاد مشکلات حقوقی و ملکیتی	۳/۸۱(۷)		٤/۵٤(۳)		
انعطاف پذیری قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی	۳/٦۵(۸)		٤/٤۷(٤)		
*p<0.05					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول٤، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره ٦۹/۸۵٦= X^2 و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره ۱۱۹/۸۵٦= X^2 در سطح ۰/۰۵ برای رتبه بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۳) الزامات کلان مالی و اقتصادی

بر اساس نتایج آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۸ مورد الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شدند(جدول ۵).

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان مالی و اقتصادی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان مالی و اقتصادی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	
اعطای وام ها و اعتبارات درازمدت با بهره کم یا بلاعوض به منظور توسعه زیرساخت ها در آموزش	۵/۰۸(۱)	۵۱/۰۳۳* (sig=0.000)	٤/۱۸(٦)	۵۸/۳٦۱* (sig=0.000)	۷
حمایت های مالی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی در مراحل ابتدایی تأسیس و هویت یابی	٤/۸۱(۲)		٤/۲۸(۵)		
اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی همچون بخش دولتی	٤/۷۱(۳)		۳/۹۳(۸)		
اعطای یارانه ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آموزش عالی خصوصی مبتنی بر	٤/۵۲(٤)		٤/۳٤(٤)		
اعطای تخفیف و یارانه در پرداخت هزینه های جاری(همچون آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت) در	٤/٤۹(۵)		٤/۸۱(۳)		
اعطای وام ها، کمک هزینه ها و بورسیه های تحصیلی به دانشجویان بخش خصوصی آموزش عالی	٤/٤٦(٦)		۵/٤۲(۱)		
اعطای مشوق ها و معافیت های مالیاتی به آموزش عالی خصوصی	٤/٤٤(۷)		۵/۰۸(۲)		
اعطای آزادی عمل به آموزش عالی خصوصی در مورد تعیین میزان شهریه بر اساس کیفیت خدمات	۳/۵(۸)		٤/۰٦(۷)		
*p<۰.۰۵					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره ۵۱/۰۳۳= X^2 و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره ۵۸/۳٦۱= X^2 در سطح ۰/۰۵ از نظر رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

٤) الزامات آموزشی و پژوهشی

نتایج آزمون خی دو نشان داد که در مجموع میزان اهمیت تمامی الزامات کلان آموزشی و پژوهشی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا و میزان توجه به تمامی الزامات کلان آموزشی و پژوهشی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شدند(جدول ٦).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

جدول ٦: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان آموزشی و پرورشی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان آموزشی و پژوهشی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	
اعطای آزادی عمل و تسهیل در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی مبتنی بر نیازهای مؤسسات آموزش عالی	۲/۸۲(۱)	۸/۲۱۵* (sig=0.042)	۲/۸٦(۱)	۳۸/٦۸* (sig=0.000)	۳
اعطای آزادی عمل در پذیرش دانشجویان واجد صلاحیت های علمی	۲/۵(۲)		۲/۳(۳)		
تسهیل فرآیندهای اعطای مجوز رشته های تحصیلی مختلف برای آموزش عالی خصوصی	۲/٤۳(۳)		۲/۷۵(۲)		
اعطای آزادی عمل در تغییر سرفصل های آموزشی و روزآمد نمودن آنها	۲/۳۵(٤)		۲/۰۸(٤)		
*p<۰.۰۵					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره ۸/۲۱۵= X^2 و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره ۳۸/٦۸= X^2 در سطح ۰/۰۵ از نظر رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

۵) الزامات کلان مدیریتی و سازمانی

بر اساس نتایج حاصل از آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۱۱ مورد الزامات کلان مدیریتی و سازمانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان مدیریتی و سازمانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده‌اند(جدول ۷).

جدول ۷: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان مدیریتی و سازمانی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان مدیریتی و سازمانی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه	خی دو	رتبه	خی دو	
تعیین استانداردها و شاخصهای کیفی مشخص و شفاف برای تأسیس و فعالیت مؤسسات آموزش عالی	٦٦(۱)	۳۲/٦۹٦* (sig=0.000)	٦/۸۹(۳)	۷۹/٦۷٤* (sig=0.000)	۱۰
مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه ریزی های کلان آموزش عالی	٦/۵۹(۲)		٤/۸۷(۱۱)		
نظارت و کنترل دولت در خصوص رعایت استانداردهای آموزشی مورد نیاز در آموزش عالی خصوصی در قالب مکانیسم های تضمین کیفیت و اعتبارسنجی و رتبه‌بندی	٦/٤۲(۴)		۷/۰۳(۱)		
کاهش نقش مداخله گری دولت و افزایش نقش حمایتی و نظارتی در آموزش عالی خصوصی	٦/۳۱(٤)		۵/۸٦(۷)		
تمرکززدایی در مدیریت و تصمیم گیری در آموزش عالی خصوصی	٦/۱۲(۵)		۵/۵۳(۹)		
فراهم آوردن اطلاعات فنی و مناسب در راستای فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی	۵/۹۳(٦)		٦/۱٦(۵)		
اعطای آزادی عمل به هیأت مؤسس در انتخاب ریاست مؤسسه آموزش عالی خصوصی	۵/۸۳(۷)		٦/۹٦(۲)		
ارزیابی سیاست های خصوصی‌سازی آموزش عالی و مقایسه دستاوردها و اهداف و رفع نواقص	۵/۷٤(۸)		٦/۱٦(٤)		

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

انتخاب شیوه ها و روش های مناسب و جدید خصوصی‌سازی آموزش عالی توسط سیاستگذاران و برنامه	۵/۶۷(۹)		٤/۹٦(۱۰)			
تسهیل فرآیند صدور مجوز برای مؤسسات آموزش عالی خصوصی و کاهش بروکراسی های موجود	۵/٤۹(۱۰)		٦/۱۲(٦)			
اعطای استقلال دانشگاهی بیشتر به آموزش عالی خصوصی	۵/۳۱(۱۱)		۵/۵۷(۸)			
*p<۰.۰۵						

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره X^2 =۳۲/٦۷٦ و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره X^2 =۷۹/٦۷٤در سطح ۰/۰۵ از نظر رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

٦) الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی

بر اساس نتایج آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت ۲ مورد الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا و میزان توجه به تمامی الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده‌اند(جدول ۸).

جدول ۸: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	
اطلاع رسانی و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به سرمایه گذاری در آموزش عالی خصوصی	۱/۵۵	۲/۳۸۱ (sig=0.123)	۱/۵۵	۲/٦۸۹ (sig=0.101)	۱
جلب مشارکت تمامی گروه های ذینفع در فرآیند برنامه ریزی و توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی	۱/٤۵		۱/٤۵		
ρ>0.05					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره X^2 =۲/۳۸۱ و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره X^2 =۲/٦۸۹ در سطح ۰/۰۵ از نظر رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار نبود($p=0.123$) و هر دو گویه از میزان اهمیت و میزان توجه تقریباً یکسانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ دهندگان برخوردار بودند.

۷) الزامات کلان زیرساختی

نتایج آزمون خی دو همچنین نشان داد که در مجموع میزان اهمیت ۳ مورد الزامات کلان زیرساختی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا و میزان توجه به تمامی الزامات کلان زیرساختی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده اند(جدول ۹).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

جدول ۹: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان زیرساختی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

الزامات کلان زیرساختی	وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		درجه آزادی
	رتبه	خی دو	رتبه	خی دو	
واگذاری زمین به آموزش عالی خصوصی با قیمت یا اجاره ارزان	۲/۱	۸/۸٤٥* (sig=0.012)	۲/۱۲	٤/٦۳۸ (sig=0.098)	۲
اعطای اعتبارات به منظور تدارک پهنای باند وسیع برای اینترنت و دسترسی به کلبخانه های آنلاین و دیجیتال	۲/۰۱		۱/۹٥		
اجازه دادن در استفاده از امکانات دولتی همچون شبکه اینترنت دانشگاهی ملی یا سیستم های املت از کلبخانه ملی همچون بخش دولتی	۱/۸۸		۱/۹۳		
*ρ<0.05					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره X^2 =۸/۸٤٥ در سطح ۰/۰٥ به لحاظ آماری معنادار بود (ρ<۰/۰٥)، اما آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره X^2 =٤/٦۳۸ در سطح ۰/۰٥ به لحاظ آماری معنادار نبود(ρ=۰/۰۹۸). که این امر به این معناست که رتبه بندی این سه گویه معنادار نبوده است و هر سه گویه از میزان توجه تقریباً یکسانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ دهندگان برخوردار بوده اند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به رشد کمی خصوصی سازی آموزش عالی در کشور به دو صورت ۱) خصوصی سازی آموزش عالی دولتی در قالب دوره‌های شهریه‌ای همچون شبانه، پیام نور، علمی-کاربردی، مجازی و ... و ۲) ورود بخش خصوصی به آموزش عالی در قالب مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی، به منظور موفقیت این تحول در نظام آموزش عالی کشور، نیاز است که همگام با رشد و توسعه کمی، بر توسعه کیفی این فرآیند نیز تأکید شود. به همین منظور دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان متولیان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران خصوصی‌سازی آموزش عالی در سطح کلان، نیاز است که در ابعاد مختلف پیش‌بایست‌ها و الزامات توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی را فراهم کنند، تا این تحول در ساختار آموزش عالی کشور از موفقیت لازم برخوردار شود. در این پژوهش، بر اساس مطالعه عمیق مبانی نظری و تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران در ۷ بعد اصلی ۱) سیاست‌گذاری و راهبردی، ۲) قانونی، ۳) مالی و اقتصادی، ٤) آموزشی و پژوهشی، ٥) مدیریتی و سازمانی، ٦) اجتماعی و فرهنگی و ۷) زیرساختی دسته بندی شدند. اهمیت و میزان توجه به این الزامات در قالب پرسشنامه از اعضای نمونه مورد نظرخواهی قرار گرفت.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی. بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۳، از دیدگاه اعضای نمونه، الزام «ثبات و هماهنگی در اجرای سیاست‌های توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی»، دارای بیشترین اهمیت بوده و رتبه اول را در بین الزامات سیاست‌گذاری و راهبردی به خود اختصاص داده است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون اسلانتچوا- دارست(۲۰۱۰) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز به عنوان الزامی مهم برشمرده شده است. با توجه به اینکه، از جمله عوامل تأثیرگذار بر موفقیت هر گونه تغییر و تحولی، ثبات در اجرای سیاست‌های اتخاذ شده مربوط به آن تحول می‌باشد، به منظور توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، نیاز است که بین سیاست‌هایی که برای این فرآیند اتخاذ می‌شود هماهنگی لازم وجود داشته باشد و با ثبات به اجرای آنها پرداخته شود تا این فرآیند از ضمانت اجرایی لازم برخوردار گردد.

از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، «اتخاذ سیاست‌های تشویقی در قالب تدوین شاخص‌های کیفی جهت تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی خصوصی به دانشگاه»، در رتبه دوم از اهمیت در بین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور قرار دارد. در حال حاضر از جمله شرایط تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به دانشگاه، برخورداری از ۳ دانشکده زیرمجموعه این مؤسسات، داشتن طرحی جامع و تصویب توسط هیأت امنا و تأیید شورای گسترش وزارت علوم می‌باشد. این شرایط بر بعد کمیت تأکید دارد و افزایش کمیت لزوماً کیفیت را به همراه نخواهد داشت. اینکه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور صدور مجوز برای تبدیل مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به دانشگاه، صرفاً بر شاخص‌های کمی همچون تعداد دانشکده، رشته، اعضای هیأت علمی و دانشجویان تأکید داشته باشد، نمی‌تواند منجر به رشد بعد کیفیت در این مؤسسات شود. بلکه در نظر گرفتن شاخص‌های کیفی در کنار شاخص‌های کمی، تأثیر بیشتری بر تلاش این مؤسسات در راستای بهبود عملکرد خود خواهد داشت. با توجه به تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، این الزام به عنوان یکی از الزاماتی که می‌تواند مشوق مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی جهت عملکرد بهتر باشد بیان شده بود که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی باشد تا به ارائه هرچه کیفی‌تر خدمات و انجام رسالت‌های خود پرداخته و بتوانند زمینه‌های تبدیل شدن به دانشگاه را فراهم آورند و از این طریق دارای وجهه بهتری در بین افراد جامعه و در نظام آموزش عالی کشور باشند.

«حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه‌های اجرایی تصمیم گیرنده و مقامات دولتی از خصوصی‌سازی آموزش عالی» در رتبه سوم از نظر اهمیت در بین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی قرار دارد. این الزام توسط پژوهشگرانی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

همچون داکزمال[1](۲۰۰۶)، قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز مهم شناخته شده است. اذعان به این نکته که آموزش عالی خصوصی کشور در دل محیط بزرگتر پیرامون خود یعنی نظام آموزش عالی و دولت به عنوان نهادهای تصمیم گیرنده فعالیت می‌کنند، به منظور توسعه کیفی نیازمند حمایت نهادهای تصمیم گیرنده و مقامات دولتی در سطحی بالاتر هستند تا با جلب توجه این سیاست‌گذاران بتوانند از حمایت‌های همه جانبه آنها در توسعه هرچه کیفی‌تر خود بهره جویند.

چهارمین گویه از الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی از نظر اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ‌دهندگان «انسجام و هماهنگی در بخش‌های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی» بوده است. قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود به این مورد اشاره داشته‌اند. هر تغییر و تحولی در صورتی با موفقیت به انجام خواهد رسید که در فرآیند اجرا با عدم هماهنگی و عدم توازن بخش‌های مختلف که با آنها در تعامل است مواجه نشود. خصوصی‌سازی آموزش عالی نیز به عنوان تحولی در نظام آموزش عالی کشور، در صورتی به لحاظ کیفی رشد خواهد نمود که شاهد ناهماهنگی و تضاد بین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری دولت و وزارت علوم نباشد.

پنجمین مورد از مهمترین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی از دیدگاه اعضای نمونه «تأکید بر رشد آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه کشور» بوده است. نتیجه به دست آمده با نظرات پژوهشگرانی همچون آلِمو[2](۲۰۱۰)، لِوی و زامتا(۲۰۱۱)، برناسکونی[3](۲۰۰۶) و فیلدن و لاروکو[4](۲۰۰۸) همسو بوده است. چنانچه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خرد در راستای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان کشور انجام شود، از ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار خواهد بود که این الزام در وضعیت موجود توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی از بیشترین میزان توجه از دیدگاه پاسخ‌دهندگان برخوردار بوده است. در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم و همچنین قانون اساسی و سیاست‌های کلی اصل ٤٤ نیز از توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی حمایت شده است.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۳، «شفاف سازی نقش و سهم و انتظارات از آموزش عالی خصوصی» کمترین رتبه را از نظر میزان توجه در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور به خود اختصاص داده است. این در حالی است که مصاحبه‌شوندگان از اهمیت این گویه در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش

1 . Duczmal
2 . Alemu
3 . Bernasconi
4 . Fielden & LaRocque

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

عالی کشور یاد کرده‌اند و اظهار داشته‌اند که وزارت علوم به طور شفاف و واضح سهم این بخش از آموزش عالی کشور و انتظارات خود از این بخش را بیان نمی‌کند. دومین تا پنجمین گویه از الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی که در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور توجه کمی را به خود اختصاص داده است «انسجام و هماهنگی در بخش‌های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی»، «اتخاذ سیاست‌های تشویقی در قالب تدوین شاخص‌های کیفی جهت تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی خصوصی به دانشگاه»، «ثبات و هماهنگی در اجرای سیاست‌های توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی» و «حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه های اجرایی تصمیم گیرنده و مقامات دولتی از خصوصی‌سازی آموزش عالی» می‌باشند و این در حالی است که همچنان که اطلاعات ارائه شده در جدول ۳ نشان داد، این الزامات به عنوان مهمترین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی از دیدگاه اعضای نمونه تشخیص داده شده بودند. به این ترتیب به وضوح شاهد شکاف بین وضعیت مطلوب در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور یعنی آن دسته از الزاماتی که باید رعایت شود و وضعیت موجود توسعه کیفی این فرآیند یعنی آنچه در عمل در آموزش عالی خصوصی کشور در حال رخ دادن است، هستیم.

الزامات کلان قانونی. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ٤، الزام «به رسمیت شناختن آموزش عالی خصوصی به لحاظ قانونی»، دارای بیشترین اهمیت در بین الزامات کلان قانونی بوده است که از دیدگاه پژوهشگرانی همچون لِوی و زامتا(۲۰۱۱)، سانیال[1](۱۹۹۸)، برناسکونی(۲۰۰٦)، اسلانتچوا-دارست(۲۰۱۰)، فراستخواه(۱۳۸۷) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز به عنوان یکی از پیش‌بایست‌های توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی بیان شده است. این الزام قانونی از این جهت از بین دیگر الزامات کلان قانونی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است که اجرای هر گونه تغییر و تحولی، زمانی از مشروعیت برخوردار خواهد بود که به لحاظ قانونی مورد تأیید و پذیرش سیاستگذاران کلان کشور قرار بگیرد و بر این تحول در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان تأکید شود و خصوصی‌سازی آموزش عالی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

دومین الزام کلان قانونی از نظر میزان اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، «تدوین و تصویب قوانین و مقررات شفاف و با ضمانت اجرایی برای توسعه آموزش عالی خصوصی» بوده است. پژوهشگرانی همچون لِوی(۲۰۱۱)، اُکچ[2](۲۰۰۹)، فیلدن و لاروکو[3](۲۰۰۸)،

1 . Sanyal
2 . Oketch
3 . Fielden & LaRocque

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

وارقسه(۲۰۰٤)، وونگ سوتورن و وانگ[1](۱۹۹۵)، سانیال(۱۹۹۸)، لِوی و زامتا(۲۰۱۱)، کیم و لی[2](۲۰۰٦)، سیوالینگام[3](۲۰۰٦)، جانتان و همکاران[4](۲۰۰٦)، لی[5](۲۰۰٤)، هادیهارداجا[6](۱۹۹۵)، پاچاشویلی[7](۲۰۰۷)، لِین[8](۲۰۱۰)، ملکی(۱۳۸٤)، قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز این الزام را به عنوان یکی از موارد مهم در توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی مطرح کرده‌اند. این الزام به درستی پس از به رسمیت شناخته شدن خصوصی‌سازی آموزش عالی به لحاظ قانونی، دارای اهمیت تشخیص داده شده است و این امر ناشی از این است که پس از تأیید تغییر و تحول به لحاظ قانونی، نیاز است که قوانین و مقررات لازم برای اجرایی شدن آن تغییر و تحول به گونه‌ای شفاف و به دور از هرگونه ابهام و تضادی تدوین شوند به این دلیل که ضمانت اجرایی و پشتوانه‌ای برای تحقق و موفقیت هر گونه تحولی به حساب می‌آیند.

الزام کلان قانونی دیگر که در رتبه سوم اهمیت قرار گرفته است، « تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص مالکیت در آموزش عالی خصوصی» است. این الزام از دیدگاه افراد مصاحبه‌شونده به عنوان یکی از مشکلات اساسی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی مطرح شد که این امر موجبات دغدغه فکری مؤسسین این مراکز را فراهم می‌کند و اکثریت مصاحبه‌شوندگان به این مسأله اشاره داشتند که علی رغم سرمایه‌گذاری این افراد در تأسیس این مراکز، قوانین مشخص و شفافی برای مالکیت این مؤسسات تدوین نشده است و در صورت ورشکستگی این مراکز، اموال آنها در مالکیت دولت می‌باشد و همین دغدغه فکری به نوعی موجبات کاهش انگیزه دانشگاهیان و دیگر سرمایه‌گذاران در آموزش عالی خصوصی را جهت ورود به این عرصه فراهم می‌آورد و ترس از دست رفتن سرمایه نیز برای آنها وجود دارد.

چهارمین الزام کلان قانونی به لحاظ اهمیت، «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی» بوده است. علاوه بر تدوین قوانین و مقررات مربوط به مالکیت آموزش عالی خصوصی، نیاز است که در سطح کلان به تدوین قوانین و مقررات لازم برای سرمایه‌گذاری در این بخش از آموزش عالی بپردازند به گونه‌ای که افراد مشتاق به فعالیت در آموزش عالی خصوصی کشور، از وضعیت

1 . Wongsothorn & Wang
2 . Kim, S. & Lee
3 . Sivalingam
4 . Jantan et al
5 . Lee
6 . Hadihardaja
7 . Pachuashvili
8 . Lane

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

سرمایه‌گذاری خود در این حوزه آگاهی کامل داشته باشند و بدون ترس از بر باد رفتن سرمایه خود، به فعالیت و سرمایه‌گذاری در این بخش تمایل داشته باشند.

«تدوین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی با مشارکت ذینفعان این بخش»، نیز در اولویت پنجم از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی قرار داشته است. این الزام توسط قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز به عنوان یکی از الزامات توسعه خصوصی‌سازی بیان شده است. زمانی قوانین و مقررات تدوین شده از ضمانت اجرایی برخوردار خواهند بود که با مشارکت دادن دست‌اندرکاران و ذینفعان مربوط به آن حوزه تنظیم شده باشند در چنین حالتی، به این دلیل که قوانین و مقررات با شناخت بیشتر تصمیم گیرندگان از انتظارات و مشکلات و موانع و کمبودهای بندهای قانونی موجود تنظیم می‌شود، ضمانت اجرایی بیشتری خواهند داشت و زمینه را برای توسعه آموزش عالی خصوصی فراهم می‌کنند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول٤، به لحاظ میزان توجه به الزامات کلان قانونی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، الزامات «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص مالکیت در آموزش عالی خصوصی»، «تدوین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی با مشارکت ذینفعان این بخش»، «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی» کمترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که این الزامات به عنوان بااهمیت‌ترین الزامات کلان قانونی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی بیان شده‌اند و این در واقع نشان دهنده تفاوت بین آنچه باید باشد و آنچه در عمل رخ می‌دهد است و شکاف بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود به وضوح قابل مشاهده می‌باشد. علاوه بر الزامات ذکر شده از دیدگاه اعضای نمونه، الزامات «تلاش در راستای رفع تناقض و تعارض بین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی» و « انعطاف پذیری قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی» نیز در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از توجه کمتری برخوردار بوده‌اند باید به این امر توجه داشت که چنانچه بین قوانین و مقرراتی که تدوین می‌شود همخوانی و هم‌راستایی لازم وجود نداشته باشد، نمی‌توان توقع داشت که قوانین تدوین شده به عنوان تسهیل کننده خصوصی‌سازی آموزش عالی به کار گرفته شوند. همچنین با توجه به متغیر بودن شرایط و وضعیت آموزش عالی، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران باید به این مسأله توجه داشته باشند که قوانین و مقررات تدوین شده، قطعی و ثابت نیستند بلکه در مواردی ممکن است نیاز به اصلاح و بازنگری داشته باشند و این نکته مستلزم انعطاف‌پذیری قوانین و مقرراتی است که تدوین می‌شوند.

الزامات کلان مالی و اقتصادی. مبتنی بر نتایج گزارش شده در جدول ۵، «اعطای وام‌ها و اعتبارات درازمدت با بهره کم یا بلاعوض به منظور توسعه زیرساخت‌ها در آموزش عالی خصوصی» به عنوان بااهمیت‌ترین الزام کلان مالی و

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

اقتصادی تعیین شده است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون مک کوان[1](۲۰۰۷)، فیلدن و لاروکو(۲۰۰۸)، فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹)، فیلدن و چنگ[2](۲۰۰۹)، تام(۲۰۱۱)، هادیهارداجا(۱۹۹۵)، مک کوان(۲۰۰٤) و آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به اینکه اکثریت مؤسسین و دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور، عمدتاً دانشگاهیان هستند و این افراد دارای توان مالی کافی جهت سرمایه‌گذاری کلان در تدارک و توسعه زیرساخت‌های لازم و قابل قبول جهت ارائه خدمات کیفی و تحقق اهداف خود نیستند، نیاز به حمایت سطح کلان در قالب حمایت‌های مالی و فراهم آوردن وام‌ها و تسهیلاتی جهت توسعه زیرساخت‌های خود دارند.

دومین الزام کلان مالی و اقتصادی به لحاظ اهمیت داشتن در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، «حمایت‌های مالی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی در مراحل ابتدایی تأسیس و هویت یابی» می‌باشد. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان و همچنین پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، بخش خصوصی آموزش عالی در صورت حمایت‌های مالی دولت در مراحل ابتدایی شکل‌گیری که قادر به فراهم نمودن تمامی زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری نیستند، قادر به رشد کردن خواهند بود. با حمایت مالی اولیه دولت در مرحله شکل‌گیری این بخش از آموزش عالی، این مؤسسات به نوعی به جای دغدغه مالی داشتن جهت طی کردن مراحل ابتدایی تأسیس و پا گرفتن، می‌توانند بر برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر آموزشی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های هدفمندتر و دقیق‌تر تمرکز کنند و از ابتدا سنگ بنای آموزش عالی خصوصی را درست جای دهند. مبتنی بر نظر آگاروال[3](۲۰۰۷)، محمود[4](۲۰۰۸)، بین[5](۲۰۱۰)، وارقسه(۲۰۰٤)، سانیال(۱۹۹۸)، داکزمال[6](۲۰۰٦)، فیلدن و چنگ[7](۲۰۰۹)، فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی می تواند به شکل‌های مختلفی صورت پذیرد و حمایت مالی دولت به شکل‌های مختلف از مؤسسات آموزش عالی خصوصی امکان پذیر است و منافاتی با خصوصی‌سازی آموزش عالی ندارد و این امر به این دلیل است که این حمایت‌های مالی عمدتاً بلاعوض نیست و به دولت بازگردانده می‌شود. با توجه به اینکه، مؤسسین مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در ایران عمدتاً از بین دانشگاهیان می‌باشند و این افراد سرمایه کافی ندارند، دولت می‌تواند با حمایت‌های مالی از این مؤسسات، زمینه‌های اولیه را برای پاگرفتن و رشد آنها فراهم آورد.

1 . McCowan
2 . Fielden & Cheng
3 . Agarwal
4 . Mahmoud
5 . Baine
6 . Duczmal
7 . Fielden & Cheng

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

«اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی همچون بخش دولتی»، سومین رتبه را به لحاظ اهمیت در بین الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی به خود اختصاص داده است. این الزام از دیدگاه پژوهشگرانی همچون فیلدن و لاروکو(۲۰۰۸)، فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹)، آلتباخ و لِوی[1](۲۰۰۵)، فیلدن و چنگ(۲۰۰۹)، یونزاوا[2](۲۰۰۷) و مک کوان(۲۰۰٤) نیز مهم می‌باشد. یکی از ابعادی که در آموزش عالی خصوصی کشور کمرنگ است، بعد پژوهشی این بخش از آموزش عالی می‌باشد و این امر ناشی از این است که در این بخش، همچون آموزش عالی دولتی اعتبارات پژوهشی از جانب دولت پرداخت نمی‌شود و به دلیل مشکلات مالی که گریبان‌گیر آموزش عالی خصوصی است، بدون حمایت دولت، امکان تقویت کارکرد پژوهشی این بخش وجود ندارد. با توجه به کمبود منابع مالی، دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی ناگزیر از هزینه کردن بابت توسعه زیرساخت‌های آموزشی لازم هستند که از عهده این بخش هم ممکن است به درستی برنیایند و همین مسأله منجر به فراموشی بعد پژوهشی در مؤسسات آموزش عالی خصوصی می‌شود.

«اعطای یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آموزش عالی خصوصی مبتنی بر عملکرد آنها» در رتبه چهارم اهمیت در بین الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور قرار دارد. این الزام ، از نظر پژوهشگرانی همچون لِوی و زامتا(۲۰۱۱)، فیلدن و چنگ(۲۰۰۹)، داکزمال(۲۰۰٦)، سانیال(۱۹۹۸)، اسپینوزا[3](۲۰۰۸)، برناسکونی(۲۰۰٦)، چایی و هونگ[4](۲۰۰۹)، کیم و لی(۲۰۰٦)، اوبا[5](۲۰۰٤)، هادیهارداجا(۱۹۹۵)، مک کوان(۲۰۰۷)، ساسپیتسین و ساسپیتسینا(۲۰۰۷)، پاچاشویلی[6](۲۰۱۱) و فراستخواه(۱۳۸۷) نیز مهم می‌باشد. دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی بر این باورند باورند که دولت می‌تواند با اعطای یارانه ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مؤسساتی که دارای عملکرد بهتر هستند، کمک کند و به این صورت هم مؤسسات آموزش عالی خصوصی را تشویق به تلاش برای عملکرد بهتر می‌کنند و همچنین به لحاظ ضعف و مشکلات مالی می‌توانند به آنها کمک کنند.

«اعطای تخفیف و یارانه در پرداخت هزینه‌های جاری(همچون آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت) در آموزش عالی خصوصی» از دیدگاه نمونه در رتبه پنجم اهمیت در بین الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی قرار دارد. با توجه به محدودیت منابع مالی آموزش عالی خصوصی و با اذعان به

1 . Altbach & Levy
2 . Yonezawa
3 . Espinoza
4 . Chae & Hong
5 . Oba
6 . Pachuashvili

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

اینکه هزینه‌های جاری این بخش از جمله هزینه‌های بالا می‌باشد، دولت با اعطای تخفیف‌ها و یارانه‌های ویژه می‌تواند از بار مالی این مؤسسات بکاهد تا آنها بتوانند در دیگر کارکردهای کیفی خود هزینه کنند و از این طریف عملکرد خود را به لحاظ کیفی ارتقا بخشند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول۵، الزامات « اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی همچون بخش دولتی»، «اعطای آزادی عمل به آموزش عالی خصوصی در مورد تعیین میزان شهریه بر اساس کیفیت خدمات و هزینه سرانه واقعی»، «اعطای وام‌ها و اعتبارات درازمدت با بهره کم یا بلاعوض به منظور توسعه زیرساخت‌ها در آموزش عالی خصوصی»، «حمایت‌های مالی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی در مراحل ابتدایی تأسیس و هویت‌یابی» و «اعطای یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آموزش عالی خصوصی مبتنی بر عملکرد آنها» از بین دیگر الزامات کلان مالی و اقتصادی، که از دیدگاه دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی دارای بیشترین اهمیت و نقش در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور بوده‌اند، در عمل در فرآیند توسعه این بخش کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مواردی که دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی، نسبت به آن رضایت کافی نداشتند، میزان شهریه‌ای است که برای این مراکز توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعیین می‌شود که این شهریه بسیار کمتر از هزینه سرانه واقعی دانشجویان در این مراکز می‌باشد و با توجه به وابسته بودن درآمدهای آموزش عالی خصوصی به شهریه دریافتی از دانشجویان، در صورت عدم کفاف این شهریه، این مراکز جهت تنظیم دخل و خرج خود و جهت دادن به هزینه‌ها و درآمدهای خود، ناگزیر از کاهش کیفیت خدمات خود می‌شوند تا سطح هزینه ها را مبتنی بر میزان درآمد پایین آورند.

الزامات کلان آموزشی و پژوهشی. مبتنی بر اطلاعات ارائه شده در جدول ٦، «اعطای آزادی عمل و تسهیل در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی مبتنی بر نیازهای مؤسسات آموزش عالی خصوصی» دارای بیشترین اهمیت در بین الزامات کلان آموزش و پژوهشی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ارزیابی شده است. بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، یکی از مواردی که برای آموزش عالی خصوصی دارای اهمیت بوده است، داشتن آزادی عمل در جذب استادان مورد نیاز خود در فرآیندی سریع و با گزینش بر اساس ملاک‌ها و معیارهای مدنظر این مراکز می‌باشد. که این الزام بر اساس دیدگاه پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه پژوهش نیز به عنوان الزامی مهم شناخته شده است. در حال حاضر، فرآیند جذب استادان در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی از طریق وزارت علوم همچون دانشگاه‌های دولتی در حال انجام می‌باشد و این مؤسسات سهم اندکی در انتخاب و جذب هیأت علمی مورد نیاز خود دارند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

الزام «اعطای آزادی عمل در پذیرش دانشجویان واجد صلاحیت‌های علمی» در رتبه دوم به لحاظ اهمیت در بین الزامات آموزشی و پژوهشی قرار داشته است. این الزام، توسط مصاحبه‌شوندگان به عنوان یک عامل تأثیرگذار در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی بیان شده بود که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت. یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور، پذیرش دانشجویان آنهاست. در حال حاضر پذیرش دانشجویان مؤسسات آموزش عالی خصوصی از کانال کنکور سراسری همچون دانشگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه دانشجویان با نمره‌های علمی بالاتر به دانشگاه‌های دولتی راه پیدا می‌کنند، دانشجویان با نمره علمی پایین‌تر به این مراکز معرفی می‌شوند و در برخی از موارد این دانشجویان از سطح علمی لازم برای شرکت در برخی از رشته‌های سخت برخوردار نیستند و همین امر می‌تواند موجبات افت کیفیت آموزشی این مراکز را فراهم آورد. چنانچه این مؤسسات در پذیرش دانشجویان خود آزادی عمل داشته باشند می‌توانند بر اساس ملاک‌ها و معیارهای خود به جذب دانشجویان اقدام کنند و یا حتی چنانچه امکان تکمیل ظرفیت برای این مراکز و پذیرش دانشجو، خارج از چارچوب کنکور سراسری وجود داشته باشد، این بخش از آموزش عالی می‌تواند به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده به پر کردن صندلی‌های خالی و تکمیل ظرفیت خود بپردازند. «تسهیل فرآیندهای اعطای مجوز رشته‌های تحصیلی مختلف برای آموزش عالی خصوصی» در رتبه سوم قرار داشته است. بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان و همچنین پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، این الزام می‌تواند به توسعه سریع‌تر مراکز آموزش عالی خصوصی یاری رساند. چنانچه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به این مراکز اجازه راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی مختلف و جدید را بدهد، این مراکز می‌توانند با ایجاد تنوع در رشته‌های تحصیلی، دانشجویان بیشتر و بهتری را جذب کنند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول٦، الزامات «اعطای آزادی عمل در تغییر سرفصل‌های آموزشی و روزآمد نمودن آنها»، «اعطای آزادی عمل در پذیرش دانشجویان واجد صلاحیت‌های علمی»، «تسهیل فرآیندهای اعطای مجوز رشته‌های تحصیلی مختلف برای آموزش عالی خصوصی» از بین الزامات کلان آموزشی و پژوهشی، در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علی‌رغم اهمیت داشتن این الزامات کلان آموزشی و پژوهشی در توسعه کیفی این فرآیند، ولی در عمل شاهد توجه کمتر به این الزامات در سطح کلان کشور بوده‌ایم. یکی دیگر از نکاتی که توسط دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی مطرح می‌شد این بود که این مراکز امکان تغییر دادن سرفصل‌های دروس رشته‌های مختلف را مبتنی بر نیازهای جامعه و بازار کار با توجه به تغییر و تحولات مستمر علم و دانش در جهان ندارند و بعضاً برخی از این سرفصل‌ها قدیمی و فاقد کارآیی لازم در محیط کار می‌باشند و در آنها هیچ بازنگری ای انجام نشده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

الزامات کلان مدیریتی و سازمانی. مبتنی بر نتایج ارائه شده در جدول ۷، «تعیین استانداردها و شاخص‌های کیفی مشخص و شفاف برای تأسیس و فعالیت مؤسسات آموزش عالی خصوصی» دارای بیشترین اهمیت در بین گویه‌های کلان مدیریتی و سازمانی توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور بوده است. این الزام در ابتدا توسط مصاحبه‌شوندگان بیان و توسط پاسخ دهندگان به پرسشنامه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور بر این باورند که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان نماینده و مجری سیاست‌های کلان دولت در آموزش عالی، برای تأسیس این دسته از مؤسسات آموزش عالی می‌توانند شاخص‌ها و معیارهایی به صورت شفاف مشخص کنند که از ابتدای تأسیس این مؤسسات از یک سطح اولیه کیفیت برخوردار باشند تا در فعالیت‌های خود به مشکل برنخورند. سخت‌گیری‌های منطقی و حساب شده از جانب وزارت علوم در اعطای مجوز به مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به منظور توسعه کیفی این بخش در آموزش عالی، از ابتدای کار می‌تواند هم به مؤسسات و هم به وزارت علوم که متولی و برنامه‌ریز اصلی آموزش عالی خصوصی کشور می‌باشد، یاری رساند. تعداد کمتر این مؤسسات با برخورداری از کیفیت قابل قبول، بهتر از رشد کمیت این مؤسسات بدون توجه به شاخص‌های کیفی مورد نیاز آنها می‌باشد.

«مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی» در رتبه دوم به لحاظ اهمیت در بین الزامات کلان مدیریتی و سازمانی قرار داشته است. این الزام توسط زامتا(۱۹۹۲) نیز مهم تشخیص داده شده است. با اذعان به این امر که آموزش عالی خصوصی بخشی از پیکره نظام آموزش عالی کشور می‌باشد، نیاز است در برنامه‌ریزی‌های کلان که برای این نظام انجام می‌شود، مشارکت داده شود. اگر هدف بهبود و ارتقای کیفیت و عملکرد نظام آموزش عالی کشور در کل می‌باشد تمامی ارکان این نظام نیاز است در برنامه‌ریزی‌ها مشارکت داده شوند تا از ابعاد مختلف با شناخت بیشتر از مسائل و مشکلات هر بخش، برنامه‌ریزی‌های لازم برای بهبود و توسعه انجام شود. به منظور تحقق اهداف متعالی نظام آموزش عالی در کشور، نیاز است که نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و همچنین نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی به عنوان اصلی‌ترین اجزای محقق کردن اهداف نظام آموزش عالی، در امر برنامه‌ریزی کلان این نظام شرکت داده شوند.

«نظارت و کنترل دولت در خصوص رعایت استانداردهای آموزشی مورد نیاز در آموزش عالی خصوصی در قالب مکانیسم‌های تضمین کیفیت و اعتبارسنجی و رتبه‌بندی» در بین الزامات کلان مدیریتی و سازمانی به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ‌دهندگان رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون لِوی و زامتا(۲۰۱۱)، لِوی(۲۰۱۱)، اوسوکویا(۲۰۰۷)،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

فیلدن و لاروکو(۲۰۰۸)، وونگ سوتورن و وانگ(۱۹۹۵)، اسلانتچوا- دارست(۲۰۱۰)، آلتباخ و لِوی(۲۰۰۵)، داکزمال(۲۰۰۶)، فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹)، بالباچوسکی و شوارتزمن[1](۲۰۱۱)، کیم و لی(۲۰۰۶)، مُک[2](۲۰۰۳)، سیوالینگام(۲۰۰۶)، چایی و هونگ(۲۰۰۹)، لی(۲۰۰٤)، وِلچ[3](۲۰۰۷)، ساسپیتسین و ساسپیتسینا(۲۰۰۷)، پاچاشویلی(۲۰۰۷)، لیم[4](۲۰۱۰)، پاچاشویلی(۲۰۱۱)، پرافامونتریپونگ[5](۲۰۱۰)، آلِمو(۲۰۱۰)، فرید و همکاران[6](۲۰۰٦)، قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز اظهار شده است. آموزش عالی عالی و محیط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، به طور فزاینده ای در بسیاری از کشورها تحت نفوذ «شرایط بازاری» آن هم در عصر فراصنعتی و جامعه دانش قرار گرفته است. تأثیر بازارها در آموزش عالی، شکل پیچیده‌ای به خود گرفته و مؤسسات آموزش عالی روز به روز خود را هر چه بیشتر در موقعیت رقابتی احساس می‌کنند. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن، تقاضا برای آموزش عالی در حال افزایش است. اما تقاضای رو به افزایش برای آموزش عالی(چه در سطح اجتماعی و چه در سطح دولت و بنگاه) به نوبه خود ایجاب می‌کند که متقاضیان، خواهان اطلاعات کافی از آموزش عالی باشند تا بتوانند نسبت به تقاضامحور بودن و مشتری‌گرا بودن کارکردها مختلف آن اطمینان یابند. در واقع از مؤسسات آموزش عالی انتظار می رود که خود را به صورت شفاف در معرض ارزیابی ذی‌نفعان قرار بدهند و اطلاعات لازم درباره منابع، فرآیندها، بروندادها و پیامدهای خود را در اختیار آنها بگذارند و پاسخگویانه گزارش بدهند که چگونه عمل می‌کنند، چگونه هزینه می‌کنند، اثربخشی هزینه‌هایشان چگونه است و مهم‌تر از همه آیا آنها ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌کنند و چطور؟ مؤسسات آموزش عالی با مسأله‌ای دووجهی مواجه‌اند. از یک سو نیاز به آن دارند که خود را با الزامات محیط متحول بیرونی مطابقت دهند و از سوی دیگر ، سازگاری خلاق با تغییرات بیرونی مستلزم تغییر در نحوه نگرش به مسائل درونی(مانند دانشجو، هیأت علمی، کارکنان، فرآیندها، ساختارها، فرهنگ سازمانی، روش‌ها، الگوها، سبک رهبری، شیوه‌های تدریس، سطح تحقیقات و تعاملات، کم و کیف خدمات تخصصی) است و اینها همه در یک کلام به همان قضیه کیفیت مربوط می‌شوند. در طی سال‌های اخیر، تأکید و تمرکز بر روی «ارزیابی کیفیت» چه به صورت ساز و کار هدایتی(کنترلی) و به صورت ساز و کار «بهبود بخشی»، به طرز مشخص و آشکار در حال افزایش بوده است. در حال حاضر می‌توان از یک آگاهی نسبت به ضرورت نهادینه شدن ارزشیابی کیفیت

[1] . Balbachevsky & Schwartzman
[2] . Mok
[3] . Welch
[4] . Lim
[5] . Praphamontripong
[6] . Fried et al

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

و اعتبارسنجی در آموزش عالی سخن گفت. تضمین کیفیت آموزش عالی، یک احساس عمومی مشترک در شرایط رقابتی روزافزون دنیای امروز به منظور «کاهش عدم اطمینان» می‌باشد(فراستخواه، ۱۳۸۸ب). با توجه به اهمیت روزافزون تضمین کیفیت و اعتبارسنجی در نظام آموزش عالی، دولت می‌تواند نقش پایشی ایفا کند و برای رشد و بهبود تمامی بخش‌های آموزش عالی به ویژه آموزش عالی خصوصی، مکانیسم‌هایی را برای بررسی وضعیت کیفیت را طراحی کند تا از این طریق به رشد کیفیت در آموزش عالی خصوصی یاری رساند.

« کاهش نقش مداخله گری دولت و افزایش نقش حمایتی و نظارتی در آموزش عالی خصوصی» نیز به عنوان یکی دیگر از الزامات کلان مدیریتی و سازمان، در رتبه چهارم قرار گرفته است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز بیان شده است. دولت به جای مداخله در امور آموزش عالی خصوصی، می‌تواند در جایگاه پایشی عمل کند و به آموزش عالی خصوصی به عنوان یک بخش مستقل اجازه فعالیت مستقلانه در چارچوب قوانین و مقررات دهد و خود به پایش فعالیت این بخش از آموزش عالی بپردازد به جای اینکه با مداخله‌های نادرست، مانعی بر سر راه فعالیت این بخش به حساب آید.

پنجمین الزام کلان مدیریتی و سازمانی به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، «تمرکززدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی خصوصی» بیان شده است. پژوهشگرانی همچون اسلانتچوا- دارست(۲۰۱۰)، بالباچوسکی و شوارتزمن(۲۰۱۱)، قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز به این الزام اشاره کرده‌اند. دولت نیاز است با توجه به وجود هیأت امنا و تأیید آنها توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در امر مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی خصوصی، تمرکززدایی کند تا این بخش از آموزش عالی بتواند در چارچوب قوانین و مبتنی بر وضعیت و شرایط خود به تصمیم‌گیری‌های لازم بپردازند و در صورت نیاز به اصلاح و تغییرات، به عنوان یک موجودیت مستقل، دارای استقلال عمل باشند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۷، الزامات «مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی»، «انتخاب شیوه‌ها و روش‌های مناسب و جدید خصوصی‌سازی آموزش عالی توسط سیاستگذاران و برنامه‌ریزان»، «تمرکززدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی خصوصی»، «اعطای استقلال دانشگاهی بیشتر به آموزش عالی خصوصی» و «کاهش نقش مداخله‌گری دولت و افزایش نقش حمایتی و نظارتی در آموزش عالی خصوصی» به عنوان آن دسته از الزامات کلان مدیریتی و سازمانی که از میزان توجه کمتری در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی برخوردار بوده‌اند بیان شده‌اند. سه مورد از این

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

الزامات توسط پاسخ‌دهندگان جزء مهمترین الزامات توسعه کیفی این فرآیند به حساب آمده بودند که در شرایط موجود از توجه لازم برخوردار نبوده‌اند.

«انتخاب شیوه‌ها و روش‌های مناسب و جدید خصوصی‌سازی آموزش عالی توسط سیاستگذاران و برنامه‌ریزان» نیز به عنوان یکی از الزامات کلان مدیریتی و سازمانی که از توجه پایین برخوردار بوده معرفی شده است در حالیکه این الزام از دیدگاه اسلانتچوا– دارست(۲۰۱۰) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) مهم تشخیص داده شده است. با توجه به تغییر و تحولات در خصوصی‌سازی آموزش عالی در دنیا، نیاز است برنامه‌ریزان و سیاستگذاران خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور، با بررسی روش‌ها و شیوه‌های جدید خصوصی‌سازی آموزش عالی در دیگر کشورها و میزان موفقیت در این روش‌ها، به انتخاب بهترین شیوه برای خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور با توجه به ویژگی‌ها و شرایط این نظام بپردازند تا از این طریق بتوانند ضمانت اجرایی بیشتری را برای خصوصی‌سازی آموزش عالی فراهم آورند.

«اعطای استقلال دانشگاهی بیشتر به آموزش عالی خصوصی» در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور نیز از توجه کمتری توسط دست‌اندرکاران برخوردار بوده است. این در حالی است که این الزام از دیدگاه افرادی همچون لِوی و زامتا(۲۰۱۱)، پرافامونتریپونگ(۲۰۱۰)، برناسکونی(۲۰۰۶)، کاساماواتی[1](۲۰۱۰)، آلتباخ و لِوی(۲۰۰۵)، داکزمال(۲۰۰۶)، محمود(۲۰۰۸)، فرید و همکاران(۲۰۰۶)، اسکات[2](۱۹۹۷)، دی آنجلو و کوهن[3](۲۰۰۰)، استروم کوئیست[4](۲۰۰۶)، ملکی(۱۳۸٤)، تسنیمی و سجادی(۱۳۸۰)، فراستخواه(۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) مهم تشخیص داده شده است. استقلال دانشگاهی از الزامات ساختی و کارکردی دانشگاه است. پیچیدگی تخصصی دانش ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها مستقل باشند. مداخله مراجع بیرونی مانند دولت در دانشگاه، اصل وفاداری به حقیقت علمی در دانشگاه را مخدوش می‌سازد و به اعتبار دانشی که در دانشگاه تولید و آموزش داده می‌شود، لطمه می‌زند. استقلال دانشگاهی، مدیریت خودگردان دانشگاه توسط خود دانشگاهیان تعریف شده است؛ به این ترتیب که دانشگاهیان، خودشان دانشگاه را اداره و خودشان سیستم دانشگاهی را کنترل کنند و تصمیم‌های مربوط به دانشگاه، در درون دانشگاه اتخاذ شود(فراستخواه، ۱۳۸۸ الف).

الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی. بر اساس اطلاعات جدول ۸ «اطلاع‌رسانی و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی» به عنوان یکی از الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی از دیدگاه

[1]. Kusumawati
[2]. Scott
[3]. DeAngelo, L. & Cohen
[4]. Strömqvist

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

پژوهشگرانی همچون مُک(۲۰۱۱) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز بیان شده است. با توجه به دیدگاه و رویکرد منفی عمومیت افراد جامعه نسبت به بخش خصوصی، در نتیجه چنین رویکردی بر روی اعتماد عمومی نسبت به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی تأثیرگذار است و با توجه به ماهیت غیرانتفاعی بودن آموزش عالی برخی از سرمایه‌داران تمایلی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی ندارند. این وظیفه سطوح کلان یعنی دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که با حمایت از آموزش عالی خصوصی، موجبات جلب اعتماد سرمایه‌داران مشتاق به فعالیت در حوزه آموزش عالی را فراهم آورد تا این افراد علاقمند به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و برداشتن باری از دوش دولت باشند. دومین الزام کلان اجتماعی و فرهنگی توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی «جلب مشارکت تمامی گروه‌های ذینفع در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی» می‌باشد. این الزام از دیدگاه قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز مهم بوده است. با توجه به اینکه مشارکت حداکثری دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی خصوصی مستلزم رشد فرهنگ مشارکت در بین آنها می‌باشد، این وظیفه سطح کلان جامعه یعنی دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان کننده آن در بخش آموزش عالی می‌باشد که به رشد این فرهنگ در بین دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی بپردازد که در برنامه‌ریزی و توسعه این بخش مشارکت حداکثری داشته باشند.

الزامات کلان زیرساختی. مبتنی بر نتایج ارائه شده در جدول ۹، «واگذاری زمین به آموزش عالی خصوصی با قیمت یا اجاره ارزان» در رتبه اول در بین الزامات کلان زیرساختی به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور تعیین شده است. این الزام از دیدگاه پژوهشگرانی همچون فیلدن و لاروکو(۲۰۰۸)، فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹)، کرِکِس[1](۲۰۱۰) و پرافامونتریپونگ(۲۰۱۰) نیز مهم بیان شده است. با توجه به اینکه برای تأسیس و شروع به فعالیت هر مؤسسه آموزش عالی خصوصی در ابتدای کار ناگزیر از فراهم نمودن بنای لازم هستند و با اذعان به اینکه عمدتاً سرمایه‌گذاران در آموزش عالی خصوصی، دانشگاهیان هستند و این افراد از سرمایه مکفی و هنگفت برخوردار نیستند، دولت می‌تواند با حمایت از آموزش عالی خصوصی، با واگذاری زمین با قیمت ارزان تر به این بخش، بخشی از بار مالی این مؤسسات را کاهش دهد تا سرمایه ناکافی آنها بتواند در امور دیگر هزینه شود.

«اعطای اعتبارات به منظور تدارک پهنای باند وسیع برای اینترنت و دسترسی به کتابخانه‌های آنلاین و دیجیتال» در رتبه دوم در بین الزامات کلان زیرساختی به لحاظ اهمیت قرار داشته است. این الزام از دیدگاه فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹) نیز مهم بوده است. با توجه به اینکه در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات به سر می‌بریم،

[1]. Kerekes

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیز به منظور دسترسی به منابع علمی جدید ناگزیر به استفاده و توسعه اینترنت به منظور دسترسی به منابع علمی و اطلاعاتی کتابخانه‌های مختلف در داخل و خارج از کشور هستند و با توجه به هزینه‌بر بودن تدارک این الزام زیرساختی، نیازمند حمایت های دولت در سطح کلان هستند.

سومین الزام کلان زیرساختی به لحاظ اهمیت « اجازه دادن در استفاده از امکانات دولتی همچون شبکه اینترنت دانشگاهی ملی یا سیستم‌های امانت از کتابخانه ملی همچون بخش دولتی» بوده است. این الزام توسط فیلدن و چنگ(۲۰۰۹) نیز مهم تلقی شده است. با توجه به اینکه دانشگاه‌های دولتی به دلیل قدمت فعالیت، از لحاظ منابع علمی الکترونیکی و کتابخانه‌ها، غنی هستند، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌تواند با هماهنگی‌های لازم زمینه همکاری بین آموزش عالی خصوصی و دولتی را فراهم آورد تا این بخش از آموزش عالی با توجه به محدودیت‌های خود امکان استفاده از منابع علمی دانشگاه‌های دولتی را داشته باشند.

نتیجه گیری: در مجموع اکثریت ٤١ الزام کلان در ابعاد ۷ گانه، در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران از اهمیت متوسط به بالا برخوردار بودند، ولی نتایج حاکی از آن بود که در عمل در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی به این الزامات توجه متوسط به پایینی شده است. به منظور توسعه کیفی این فرآیند در کشور، نیاز است که به مهمترین الزامات کلان توجه بیشتری شود و آن دسته از الزاماتی که از میزان توجه کمتری طی دوران رشد کمی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران برخوردار بوده‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته تا زمینه توسعه کیفی این تحول ساختاری در نظام آموزش عالی کشور را فراهم آورد. این یک واقعیت است که دولت طی سال‌های اخیر سهم خود را در تأمین اعتبارات آموزش عالی کاهش داده است و ظرفیت دوره‌های روزانه رایگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به شدت کاهش یافته و متناسب با رشد تقاضا برای آموزش عالی، افزایش نیافته است و این امر منجر به ظهور خصوصی‌سازی آموزش عالی دولتی در قالب دوره‌های شهریه‌ای و رشد بخش خصوصی در آموزش عالی جهت پاسخگویی به تقاضای مازاد آموزش عالی دولتی و رایگان شده است. با توجه به اینکه دولت و مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی کشور، اصلی‌ترین برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی هستند، نیاز است به این الزامات توجه بیشتری داشته باشند و با برنامه‌ریزی در راستای اجرا و کاربست این الزامات، باشد که گامی هدفمندتر در راستای توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی برداشته شود تا این تحول ساختاری در نظام آموزش عالی با شکست مواجه نشود.

پیشنهادها

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

بر اساس یافته‌های پژوهش و آن دسته از الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی که از دیدگاه دست اندرکاران و متخصصان این حوزه، دارای اهمیت بوده است و آن دسته از الزامات که از توجه کمتری در طی اجرای این فرآیند برخوردار، پیشنهادهای اجرایی زیر ارائه می‌شود که چنانچه برنامه ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی کشور در سطح کلان به این الزامات و اجرای آنها بذل توجه داشته باشند، این تحول ساختاری همگام با رشد کمی آن از رشد و توسعه کیفی هم برخوردار خواهد بود.

۱) دولت و نماینده آن در آموزش عالی کشور یعنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نقش و سهم و انتظارات آموزش عالی خصوصی را به طور شفاف و بدون ابهام بیان کنند. تا این بخش از جایگاه خود در آموزش عالی کشور به درستی آگاهی یابد.

۲) سیاست‌های تشویقی جهت تدوین شاخص‌های کیفی برای تبدیل مؤسسات آموزش عالی خصوصی به دانشگاه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اتخاذ شود تا مؤسسات آموزش عالی به دلیل تمایل به تبدیل شدن به دانشگاه در راستای تلاش برای عملکرد بهتر و کسب این شاخص‌ها گام بردارند.

۳) نیاز است به منظور موفقیت خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور، در اجرای سیاست‌های توسعه این فرآیند، ثبات وجود داشته باشد و هماهنگی بین بخش‌های مختلف در این زمینه صورت گیرد.

۴) نیاز است که مسئولین و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کلان در سطح دولت و نظام آموزش عالی که تصمیم گیرندگان آموزش عالی خصوصی هستند، با تدوین قوانین و مقررات شفاف، دغدغه فکری سرمایه‌گذاران و مؤسسین آموزش عالی خصوصی از عدم مالکیت دارایی‌هایشان را برطرف کنند و به این صورت زمینه را برای تشویق سرمایه‌گذاران در آموزش عالی خصوصی در صورتیکه هدف، توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی به لحاظ کمی و کیفی باشد، فراهم کنند.

۵) نیاز است که به منظور هرچه واقع بینانه بودن و همچنین فراهم شدن زمینه موفقیت خصوصی‌سازی آموزش عالی، قوانین و مقررات مربوط به این بخش از آموزش عالی کشور، با مشارکت ذینفعان مختلف و دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور تدوین شود.

۶) در راستای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی و وضعیت دارایی‌های مالی مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیاز است قوانین و مقررات شفاف تدوین شود تا افراد با آگاهی کامل اقدام به سرمایه‌گذاری در این بخش از آموزش عالی کشور کنند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۷) اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی می‌تواند زمینه‌ساز رشد کیفی این بخش باشد. دولت و وزارت علوم چنانچه سیاست‌هایی را در این زمینه اتخاذ کنند، بعد پژوهش را در این مؤسسات تقویت خواهند کرد.

۸) دولت به مؤسسات آموزش عالی خصوصی کشور به منظور توسعه زیرساخت‌هایشان، وام‌های بلندمدت با بهره کم اعطا کند.

۹) وزارت علوم، در مراحل ابتدایی شکل‌گیری مؤسسات آموزش عالی خصوصی، به دلیل مشکلات و محدودیت‌های مالی از آنها حمایت مالی به عمل آورد.

۱۰) دولت در صورت امکان به مؤسسات آموزش عالی خصوصی، مبتنی بر عملکرد آنها، یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم اعطا کند.

۱۱) به آموزش عالی بخش خصوصی، آزادی عمل داده شود که در صورت نیاز، به تغییر سرفصل‌های آموزشی و به روز کردن آنها بپردازند.

۱۲) به مؤسسات آموزش عالی خصوصی، اجازه داده شود که در انتخاب و پذیرش دانشجویانی که از سطح علمی لازم برخوردار باشند، نقش داشته باشند نه اینکه محکوم به پذیرش هر دانشجویی با هر سطح علمی از کانال کنکور سراسری باشند.

۱۳) به منظور توسعه آموزش عالی خصوصی، فرآیند اخذ مجوز و راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی مختلف در این بخش تسهیل شود.

۱۴) با توجه به اینکه آموزش عالی خصوصی بخشی از ذینفعان آموزش عالی در کل به حساب می‌آیند از مشارکت این بخش در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی استفاده شود.

۱۵) دولت نیاز است به آموزش عالی خصوصی استقلال دانشگاهی بیشتری اعطا کند و در همین راستا به تمرکززدایی در تصمیم‌گیری و مدیریت این بخش بپردازد.

۱۶) دولت و وزارت علوم، تلاش کند که به جای مداخله‌گری در امور آموزش عالی خصوصی، نقش حمایتی و نظارتی در این بخش ایفا کند.

۱۷) دولت به عنوان سطح کلان جامعه و وزارت علوم به عنوان سطح کلان آموزش عالی، تلاش کنند که با اطلاع‌رسانی دقیق، اعتماد عمومی را برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی جلب کنند.

۱۸) با توجه به مشکلات مالی مؤسسات آموزش عالی خصوصی در بدو تأسیس، دولت زمینه‌هایی را برای واگذاری زمین با قیمت پایین به این مؤسسات فراهم کند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۱۹) دولت به آموزش عالی خصوصی برای توسعه اینترنت و پهنای باند، اعتبارات لازم را اعطا کند.

۲۰) دولت امکان استفاده از شبکه اینترنت دانشگاهی ملی و همچنین کتابخانه ملی را برای آموزش عالی خصوصی فراهم آورد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع:

آراسته، حمیدرضا و اسفندیاری، توران(۱۳۸۹). "خصوصی سازی در آموزش عالی". فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱، ۲۰-۱۱.

تسنیمی، عباسعلی و سجادی، سید مهدی(۱۳۸۰). "نقدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰، ٤١-١٥.

دلاور، علی(۱۳۸۲)." مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی". تهران: انتشارات رشد.

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۷)." بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران". آموزش عالی ایران، ۱(۲)، ۱۲۲-۹۵.

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۸ الف)." استقلال دانشگاهی؛ تحولات مفهومی و چالش های جهانی آن. رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی"، به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی. ٣٩٤-٣٦١. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۸ب). "دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت". تهران: انتشارات آگاه.

قورچیان، نادرقلی و حیدری کرد زنگنه، غلامرضا(۱۳۸۷). "ارائه مدلی جهت ارتقا و توسعه خصوصی سازی در ایران". پژوهشنامه اقتصادی، ۸(۳)، ۲۵۷-۲۱۹.

ملکی، حمید(۱۳۸٤). "تعیین مؤلفه های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور و ارائه مدل مناسب". پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم تحقیقات.

Agarwal, P. (2007). "Private Higher Education in India: Status and Prospects". The observatory on borderless higher education Woburn House, United Kingdom.

Alemu, D. S. (2010). "Expansion vs. Quality: Emerging Issues of For-profit Private Higher Education Institutions in Ethiopia", International Review of Education, 56, 51–61.

Altbach, P. G., & Levy, D. C. (2005). "Private Higher Education: A Global Revolution. Sense Publishers, Netherlands"

Baine, E.M.M. (2010). "Privatization of Higher Education in Uganda and the Global Gender Justice Ideal: Uneasy Bedfellows?", Educational Review, 62(3), 315–328.

Balbachevsky, E., & Schwartzman, S. (2011). "Brazil: Diverse Experiences in Institutional Governance in the Public and Private Sectors", W. Locke et al. (Eds.). Changing Governance and

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

Management in Higher Education (pp 35- 56), The Changing Academy – The Changing Academic Profession in International Comparative Perspective 2.

Belfield, C.R., & Levin, H.M. (2002). "Education Privatization: Causes, Consequences and Planning Implications. UNESCO".

Bernasconi, A. (2006). "Does the Affiliation of Universities to External Organizations Foster Diversity in Private Higher Education?", Chile in Comparative Perspective. Higher Education, 52, 303–342.

Chae, J-E., & Hong, H. K. (2009). "The Expansion of Higher Education Led by Private Universities in Korea". Asia Pacific Journal of Education, 29(3), 341-355.

DeAngelo, L. & Cohen, A. (2000). "Privatization: The Challenge ahead for Public Higher Education". Report-Descriptive, Available at: http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?_nfpb=true&_&ERICExtSearch_SearchValue_0=ED443310&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=ED443310.

Duczmal. W. (2006). "The Rise of Private Higher Education in Poland: Policies, Markets and Strategies". Ph .D thesis in Universiteit Twente.

Espinoza, O. (2008). "Creating (in) Equalities in Access to Higher Education in the Context of Structural Adjustment and Post-adjustment Policies: The Case of Chile. High Educ", 55, 269–284.

Fielden, J., & Cheng, K. (2009). "Financial Consideration. Bjarnason", S. et al. (Eds.). A New Dynamic: Private Higher Education (pp 29-49). UNESCO.

Fielden, J., &LaRocque, N. (2008). "The Evolving Regulatory Context for Private Education in Emerging Economies". Discussion paper. The World Bank Group, International Colloquium on Private Education.

Fielden, J., & Varghese, N.V. (2009). "Regulatory Issues. Bjarnason", S. et al. (Eds), A New Dynamic: Private Higher education (pp 71-90), UNESCO.

Fried, J., Glass, A., & Baumgartl, B. (2006). "Summary of an Extended Comparative Analysis on European Private Higher Education". Higher Education in Europe, 31(1), 3-9.

Hadihardaja, J. (1995). "Private Higher Education in Indonesia: Current Developments and Existing Problems". In proceeding of a Regional Seminar of Private Higher Education in Asia and the Pacific, China, 31 October- 3 Novmber 1995(pp 30-46), Wongsothorn, Tong-In&Yibing, Wang(Eds), Published by UNESCO.

Jantan, M., Chiang, C.H., Shahnon, S., &Sibly, S. (Eds). (2006). "Enhancing Quality of Faculty in Private Higher Education Institutions in Malaysia". Institute Penyelidikan Pendidikan Tinggi Negara.

Kerekes, C.B. (2010). "Privatize It: Outsourcing and Privatization in Higher Education". Hall, J.C. (Ed.). Doing More with Less: Making Colleges Work Better (pp. 235-247). New York: Springer.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

Kim, S. & Lee, J.H. (2006). "Changing Facets of Korean Higher Education: Market Competition and the Role of the State". Higher Education, 52, 557–587.

Kusumawati, A. (2010). "Privatisation and Marketisation of Indonesian Public Universities:A Systematic Review of Student Choice Criteria Literature". paperpresented in The Indonesian Student International Conference, Australia, 16-18 July.

Lee, M. N.N (2004). "Global Trends, National Policies and Institutional Responses: Restructuring Higher Education in Malaysia". Educational Research for Policy and Practice, 3, 31–46.

Levy, D. C. (2011), "Public Policy for Private Higher Education: A Global Analysis", Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice, 13(4), 383-396.

Levy, D.C., &Zumeta, W. (2011). "Private Higher Education and Public Policy: a Global View". Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice, 13(4), 345-349.

Lim, F.C.B. (2010). "Do Too Many Rights Make a Wrong? A Qualitative Study of the Experiences of a Sample of Malaysian and Singapore Private Higher Education Providers in Transnational Quality Assurance". Quality in Higher Education, 16(3), 211-222.

Mahmoud. A.A. (2008). "Challenges Facing the Privatization of Higher Education in the Arab World". In Proceeding of the International Conference, Ahlia University, Kingdom of Bahrain, 3-4 June (pp. 15-20), London, Taylor & Francis Group.

McCowan, T. (2007). "Expansion without Equity: An Analysis of Current Policy on Access to Higher Education in Brazil". Higher Education, 53, 579–598.

McCowan, T. (2004). "The Growth of Private Higher Education in Brazil: Implications for Equity and Quality". Journal of Education Policy, 19(4), 453-472.

Mok, K. H. (2003). "Similar Trends, Diverse Agendas: Higher education reforms in East Asia". Globalisation, Societies and Education, 1(2), 201-221.

Oketch, M. (2009). "Public–Private Mix in the Provision of Higher Education in East Africa: Stakeholders' Perceptions". Compare, 39(1), 21–33.

Osokoya, I. O. (2007). "Privatization of University Education in Africa: Lessons from the Theories and Practices of the United States of America and Japan. International Journal of African & African American Studies", VI (2), 1-10.

Pachuashvili, M. (2007). "Changing Patterns of Private-Public Growth and Decline: The Case of Georgian Higher Education". PROPHE working paper. Available at: http://www.albany.edu/dept/eaps/prophe/.

Pachuashvili, M. (2011). "Governmental Policies and their Impact on Private Higher Education Development in Post-Communist Countries: Hungary", Latvia, Lithuania and Georgia, 1990–2005. Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice, 13(4), 397-410.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

Praphamontripong, P. (2010). "Public Policy and the Growth of Private Higher Education in Thailand". Kinser, K. et al(Eds), The Global Growth of Private Higher Education, Wiley Periodicals, 77-90.

Sanyal, B. C. (1998). "Diversification of Sources and the Role of Privatization in Financing of Higher Education in the Arab States Region". International Institute for Educational planning/ UNESCO.

Scott, G. (1997). "The Winds of Privatization: A Typology for Understanding the Phenomenon in Public Higher Education". Annual meeting of the association for the study of higher education, Available at: http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?_nfpb=true&_&ERICExtSearch_SearchValue_0=ED415820&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=ED415820.

Sivalingam, G. (2006). "Privatization of Higher Education in Malaysia". Published by the Forum on Public Policy, Available at: http://www.forumonpublicpolicy.com/archive07/sivalingam.pdf.

Slantcheva-Drust, S. (2010). "Private Higher Education in Bulgaria: Making a Difference". Kinser, K. et al. (Eds), The Global Growth of Private Higher Education(pp 37-50), Wiley Periodicals.

Strömqvist, H.G. (2006). "Impact of Commercialization and Privatization of Higher Education". ASCI Journal of Management, 36(1), 1-7.

Suspitsin, D., &Suspitsyna, T. (2007). "Private Higher Education in Russia: Free Enterprise under State Control". European Education, 39(3), 62–80.

Teixeira .P. (2009). " Mass Higher Education and Private Institution". Higher Education to 2030, 2, OECD publication.

Tham, S. Y. (2011). "Exploring Access and Equity in Malaysia's Private Higher Education". ADBI Working Paper 280. Tokyo: Asian Development Bank Institute, Available at: http://www.adbi.org/working paper/2011/04/19/4513.access.equity.malaysia.higher.educ/

Tilak, J. B.G. (2008). "Current Trends in Private Higher Education in Asia. In Proceeding of the International Conference of Privatization in Higher Education", January 7-8, (pp 113-143), Samuel Neaman Press.

Tilak, J. B.G. (2009). "Private Sector in Higher Education: A Few Stylized Facts. Social Change", 39(1), 1-28.

Varghese, N.V. (2004). "Private Higher Education". UNESCO.

Welch, A.R. (2007). "Blurred Vision?: Public and Private Higher Education in Indonesia". High Educ, 54, 665-687.

Wongsothorn, T., & Wang, Y. (1995). "Private Higher Education in Asia and the Pacific: Final Report". UNESCO PROAP and SEAMEO RIHED.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

Yonezawa, A. (2007). "Japanese Flagship Universities at a Crossroads". High Educ, 54, 483–499.

Zumeta, W. (1992). "State Policies and Private Higher Education: Policies", Correlates, and Linkages. Journal of Higher Education, 63(4), 363-417.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]